

## پشت بوم

## تلفن‌زدن به لیلی



حسین هاشم‌پور

● رسم روزگاران است؛ یک خانه عزرا و یک خانه عروسی؛ یک چشم اشک و یک چشم سرور؛ اگر مرگ همیشه بی‌خبر می‌آید ما یقین می‌آید و بزرگ‌مان پرویز کلانتری را در آغوش می‌کشد که عمری ایرانی نوستالژیک را روایت کرد و اندوه و درد می‌شود همه روزگار، هم‌زمان زایشی‌نو، به‌واسطه درخشیدن ایران در کن می‌تواند شادی آفرینند؛ این دو اتفاق در روزهای متوالی می‌افتد تا دو معجزه مرگ و تولد را یادآوری کند؛ من هم تلخم به مانند همه خانواده هنر ایران که هنرمندی را از دست داد که بیش از نقاشی، نقش مهر می‌زد و به واقع همه از دست و زیانش آسوده خاطر و خشنود بودند؛ و شیرینم برای شب بزرگ ایران در بلندی کن تا آنها که به ضرب تلویزیون قصد مرده‌نامه‌ی سینمای ایران دارند بیشتر سنگ روی یخ شوند.

یک - اخلاق، آیین پرویز خان کلانتری بود؛ این ترجیح‌بند همه اظهارنظرهایی است که همیشه درباره او شنیده‌اید؛ چه در پوشش و چه کنون در نبودش. کاش نقاشی‌های ساده و صمیمانه‌اش که در خلوت خیلی‌ها به دیوار است، اخلاق‌گرایی او را ملکه ذهن‌مان کند. بیش از نان شب بدان محتاجیم؛ به‌خصوص که این روزها برخی در پس چهره‌های مجازی، با فحش دادن به بزرگان و تهمت‌زدن برای خود نان می‌سازند... ۲۵ آذر ۹۳ در همین ستون ذیل تیر «بزرگ‌ترین تفاوت با نسل قدیم» از استاد کلانتری نوشتم که پنجره‌اش به دنیای نو باز بود. استاد نقاشی متفاوتی دارد که در آن دختری امروزی در میان معماری کاهکلی قدم می‌زند و با موبایلش حرف می‌زند، می‌گفت دوست دارد بداند تکرار جوانی‌اش امروز چه می‌کند؛ و آثاری برای دلش داشت که هیچ‌گاه به نمایش‌شان نگذاشت، مثلاً تصویرگرگی‌هایی از لیلی، وام با طنزی که استاد بدان شهرت داشت، لیلی موبایل به دست مجنون را می‌نواخت... استاد می‌پرسید آیا عشق لیلی و مجنون زاییده دوری و دوستی بوده؟ اگر مجنون شبانه‌روزی با لیلی اتلاین بود باز هم عشق‌شان افسانه می‌شد؟ اصلاً لیلی روزی چند بار به تلفن‌های مجنون جواب می‌داد؟ ... و سرانجام «لیلی»، شامگاه جمعه شب به تلفن استاد پاسخ داد، تماسی که از آذر ۹۳ برقرار و سرانجام بستر سخت بیماری، محمل سفرش شد؛ و چه سریلند بودند فرح بانو همسرش و دختران، به‌ویژه نگار، که در روزهای دشوار بیماری، تجسم مهربانی شدند.

دو - طعم کن برای سینمای ایران تازگی ندارد اما این یکی مزه‌اش جور دیگری ست؛ دو جایزه از هفت جایزه و مهم‌تر آن‌که کن چشم به راه فیلم‌ساز ایرانی ماند و «فروشنده» ایرانی را در بالاترین سطوح، ستود؛ دل‌وایسان حتماً بهانه برای دل‌وایسی جور خواهند کرد، آنها نمی‌دانند اگر دل در گرو مانایی ارزش‌های این مرز و بوم دارند، تنها راه چاره توانمندی در عرصه فرهنگ و هنر است. مرزا در حال کمرنگ‌ترشدن هستند و این برای کشورهای صاحب اندیشه و نظر بهترین فرصت است... شاید این جوایز درخشان، بهترین هدیه برای عباس کیارستمی هم باشد که کن با او سینمای ایران را شناخت... خاوند مهربان همه هنر‌آفرینان را سلامت بدار.

## نگار خانه

## نقاشی‌های «سروناز رهگذر» در نمایشگاه آفتاب تهران

● شرق: نمایشگاه نقاشی «سروناز رهگذر»، دختر نقاش هشت‌ساله با نزدیک به ۳۰ اثر نقاشی، در نمایشگاه آفتاب خیابان شریعتی تهران دایر شد. این نمایشگاه از سوم کار خود را آغاز کرده و تا ششم خرداد بپایست و ۲۸ تابلوی نقاشی با سبک اکریلیک و نقاشی روی سفال از این هنرمند خردسال در معرض نمایش عموم قرار داده شده است. به گفته مادر این نقاش خردسال، سروناز از یک‌سالگی مهارت‌های خود را در خلق نقاشی به نمایش گذاشته است و پس از گذراندن دوره‌های نقاشی، کار حرفه‌ای خود را زیر نظر «مونا گلایی» تا امروز ادامه داده است.

## صداوسیما راه خود را از دل‌وایسان جدا کرده؟

## سیگنال مثبت «جام جم»



عکس: Gettyimages

صغر فرهادی اختصاص دادند. علیرضا صادقی، مجری شبکه خبر این موفقیت را این‌طور گزارش کرد: «دو جایزه جشنواره فیلم کن در فرانسه به ایرانی‌ها رسید. سیدشهاب‌الدین حسینی، بهترین بازیگر نقش اول مرد را در این جشنواره از آن خود کرد و اصغر فرهادی برای بهترین فیلم‌نامه جایزه گرفت». در ادامه صدای گزارشگر روی تصاویر مربوط به حضور عوامل فیلم فروشنده در کن قرار گرفت: «لحظه طلایی شکار جایزه توسط

## سینماگران ایرانی از جایزه کن گفتند

## ناصر ملک‌مطیعی

## فراتر از خیال و آرزو

می‌دانم که کلمات و واژه‌ها نارسا و کوتاه هستند و نمی‌توان دسترسی به چنین مراتب و جایگاهی را با نوشته‌ای کوتاه توجیه کرد. ادای احترام و سپاس می‌کنم به فرهادی و شهاب عزیز که شایستگی خود را در جهان هنر نشان دادند. همه سینماگران امروز ایران مستعد و پویا هستند و همه در این سرفرازی شریک و سهم‌اند خاوندان را شکر و سپاس که ما قدیمی‌ها اگر نتوانستیم، شما فراتر از خیال و آرزو توانستید. دست‌مریزاد و خسته نباشید بچه‌های خوب سینما.

## نامه سرگشاده مانی حقیقی به «جنتی»

## ماجرای آل‌بالوهای فاسد ادامه یافت

است: جناب آقای علی جنتی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، سلام، همان‌طور که مستحضرد، فیلم «پنجاه کیلو آل‌بالو» ساخته این‌جانب، مانی حقیقی، از ۲۶ اسفندماه سال گذشته در سرتاسر کشور اکران شده و با استقبال غیرقابل‌انتظار و چشمگیر مردم ایران روبه‌رو شده است. در خبرها آمده که سخنگوی وزارت ارشاد از قول شما اعلام کرده که در این فیلم «برخی ضوابط رعایت نشده» و این فیلم برای پخش در شبکه‌خانگی اصلاح می‌شود. یادآوری چند نکته پیرامون این اظهارنظر شما ضروری به نظر می‌رسد.

۱- فیلم‌نامه «پنجاه کیلو آل‌بالو» نه یک بار، نه دو بار، بلکه سه بار از وزارت محترم ارشاد پروانه ساخت دریافت کرده است. بار اول در سال ۱۳۸۸، هنگامی که آقای شمقدری، معاون سینمایی وزارت ارشاد بودند، بار دوم در سال ۱۳۹۳ و بار سوم در سال ۱۳۹۴ و زیر نظر مدیران فعلی شما. ۲- فیلمی که امروز روی پرده است دقیقاً براساس همان متنی ساخته شده که از سوی وزارت ارشاد در سه نوبت تأیید شده بوده و تفاوت‌هایی که بین متن فیلم‌نامه و فیلم اکران‌شده دیده می‌شود عمدتاً ناشی از ممیزی‌هایی است که از سوی وزارت ارشاد اعمال شده است. ۳- پیش از آغاز فیلم‌برداری در پاییز سال گذشته، جناب آقای جمال شورجه، نماینده شورای پروانه ساخت وزارت ارشاد، تعهدنامه‌ای کتبی از جناب

اجرا در برنامه تلویزیونی نوجوانانه اکسیژن وارد عرصه هنر شد و...».

گزارشگر گزارش خود را چنین پایان داد. «دیشب تمام آسمان کن پر از شهاب بود».

صداوسیما در حالی موفقیت فیلمی ایرانی را در جشنواره‌ای خارجی پوشش خبری داد که رسانه‌های کاغذی و مجازی دل‌وایس، همچون قبل انتشارشان را روی جشنواره و فرهادی متمرکز کردند.

روزنامه «جوان» که بخش کوچکی از صفحه اصلی خود را به شیوه‌ای متفاوت به موفقیت فیلم «فروشنده» اختصاص داده بود؛ با روی‌تیر «گلایه‌های فرهادی در خاک فرانسوی‌ها» و تیتیر «فرهادی و فروشنده رموز» خط حمله به فرهادی و جشنواره‌های خارجی را همچون گذشته ادامه داد و نوشت: «جشنواره فیلم کن در شصت‌ونهمین دوره خود به مجالی برای قصه‌پردازی اصغر فرهادی در این رویداد سینمایی تبدیل شده است. فرهادی در خاک فرانسوی‌ها از دشواری‌های ساخت فیلم در ایران گلایه کرده است و اینکه چرا ایران برای فیلم‌سازی آمریکایی‌ها جای مناسبی نیست».

این روزنامه در ادامه آورد: «این نخستین‌بار نیست که سینماگران ایرانی در جشنواره‌های خارجی از اینکه کشورشان در فیلم‌سازی مثل آمریکا و غرب عمل نمی‌کند، برای خارجی‌ها درد دل کرده‌اند. چهره‌هایی چون جعفر پناهی، رخشان جشنواره کن فرانسه، بازیگر توانمند کشورمان جایزه بهترین بازیگر مرد را برای بازی در فیلم فروشنده اصغر فرهادی از آن خود کرد. دقایقی بعد فرهادی هم با گرفتن جایزه بهترین فیلم‌نامه غرور و موفقیت ایرانی در فرانسه را درخشان‌تر کرد.

حسینی جایزه خود را متعلق به همه مردم ایران دانست. سیدشهاب‌الدین حسینی ۴۲ سال پیش در تهران به دنیا آمد. سال ۷۷ وقتی ۲۴ ساله بود با

## مهدی نادری

## تیش قلب سینمای ایران

سال‌هاست که بهترین قصه‌گوی سینمای دنیا به زبان فارسی از صحنه تئاترهای دانشجویی راه خود را آغاز کرده است. شایستگی قصه‌گویی سینماگر دنیا برانزنده وجود این فرزند ایران و همچنین بازیگر درخشان و بااخلاق سینمای ایران. در این سال‌ها که همه از مرگ سینما می‌گویند، این دو جایزه و البته جوایزی که در تمام این سال‌ها توسط سینماگران ایرانی دریافت شده، نشان از تیش قلب سینمای ایران است.



در یکی، دو سال گذشته اتفاقات خوبی در بخش فیلم‌نامه‌های سینمایی رخ داده است و دریافت جایزه بهترین فیلم‌نامه توسط اصغر فرهادی در جشنواره فیلم کن از جمله افتخارات سینمایی ما در حوزه فیلم‌نامه‌نویسی است. فیلم «قصه‌ها» به کارگردانی خانم بنی‌اعتماد و فیلم‌نامه‌ای از فرید مصطفوی از دیگر درخشش‌های سینمای ایران در حوزه فیلم‌نامه‌نویسی بود. این جوایز نشان می‌دهد در بخش فیلم‌نامه، سینمای ایران شاهد تحولات خوبی است.

عموم مردم، باخبر باشید.

به اختصار مرور می‌کنم: فیلم «پنجاه کیلو آل‌بالو» سه بار از وزارت ارشاد پروانه ساخت گرفته، فیلم‌نامه آن ۱۴ اصلاحیه داشته، دوبار توسط شورای پروانه نمایش فیلم منوط به اعمال این موارد صادر شده است. مقایسه این متن با فیلمی که امروز روی پرده سینماهای کشور است به‌روشنی ثابت می‌کند که سازندگان فیلم تا چه اندازه و با چه میزان وسواس و دقتی به تعهدهای خود پایبند بوده‌اند. ۴- پس از پایان فیلم‌برداری، فیلم «پنجاه کیلو آل‌بالو» نه یک بار، بلکه در دو نوبت توسط شورای محترم پروانه نمایش وزارت ارشاد بازبینی شده و پس از اعمال ۱۷ مورد اصلاحیه موفق به دریافت مجوز اکران شده. لازم به یادآوری نیست که یکی از اعضای شورای فوق فردی روحانی است که ظاهراً حضور بسیار فعال و تأثیرگذاری در اعمال این اصلاحیه‌ها داشته است. ۵- بی‌شک مستحضرد که اکران نوروزی در سینمای ایران، پرمخاطب‌ترین اکران سال سینمای ایران است و از این منظر، فیلم‌هایی که در این مقطع از سال به نمایش در می‌آیند به تعبیری مهم‌ترین فیلم‌های سال محسوب می‌شوند. به‌همین دلیل از مدیران محترم وزارتخانه شما و از شخصی شما، انتظار می‌رود که از محتوای پرمخاطب‌ترین محصولات فرهنگی کشور، پیش از ارائه آنها به

## زیر آسمان فیروزهای

## دیدار آخر با پرویز کلانتری

## از مردم ایران و هنرش نمایش حقارت نساخت

● سحرآزاد: نقش خاک و کویر روی بوم‌ها مانده، اما دیگر خبری از نقاش آنها نیست. پرویز کلانتری پس از وداع با دوستان و خانواده‌اش در خانه هنرمندان در قطعه هنرمندان بهشت‌زهر(اس) آرام گرفت. پرویز کلانتری، نقاش، تصویرساز، روزنامه‌نگار و نویسنده که از آذر ۹۳ بر اثر سکته مغزی در بستر بیماری بود، عصر جمعه، ۳۱ اردیبهشت در اثر عوارض ناشی از سکته و کھولت سن درگذشت. مراسم تشییع پیکر این هنرمند که روزگاری گفته بود: «من نقاش مناظر خاک‌آلوده مملکتم هستم» ساعت ۹ صبح دیروز، سوم خرداد از مقابل خانه هنرمندان برگزار شد. در این مراسم هنرمندانی مانند کامییز درمبخش، رضا نامی، سیروس ابراهیم‌زاده، ایرج اسکندری، علی فرامرزی، جمال‌الدین اکرمی، حسین مججویی، خسرو سبانی، حبیب آیت‌اللهی، عباس مشهدی‌زاده، بهزاد شیشه‌گران، علی شیرازی، علی‌اکبر صادقی، عباس عطیمی، غلامحسین امیرخانی، محمدعلی بنی‌اسدی حضور داشتند. در ابتدای این مراسم محمد سریر، رئیس شورای عالی خانه هنرمندان گفت: «قطعا با پرویز کلانتری وداع نمی‌کنیم و سلامی دوباره می‌کنیم به آثارش و حضور بلندمدتی که او و پیروان مکتب هنری او خواهند داشت. فقدانش برای ما بسیار سنگین است. در این یک‌سال‌وادی که در کسالت و ناراحتی بود، ما هم همراه خانواده‌اش بسیار رنج کشیدیم و باعث تأسف است هنرمند بزرگی ما را ترک کرد». او با بیان اینکه توجه به مسائل فنی و حرفه‌ای آثار پرویز کلانتری برعهده دیگران است، افزود: «درباره شخص پرویز کلانتری همیشه می‌گفتند او که ۸۰ساله است به اضافه هفت سال، چون در باطن انسانی باصفا، با صداقت و مهربان بود و در کنار این انسان یک کودک و نوجوان را هم در آثارش می‌بینیم». پس از آن ایرج پارسایی‌نژاد، استاد دانشگاه توکیو به صورت مختصر درباره کلانتری چنین گفت: «پرویز کلانتری، پرویز کلانتری بود. درست بود، راست بود، صاف بود و پاک بود، آدم خوبی بود». مجید گلانوروزی، مدیر مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد هم سخنران دیگر مراسم بود: «هنرمندان نمی‌میرند، بلکه با کوچشان جادوانه می‌شوند. کلانتری در زیبایی‌شناسی نسل ما بسیار مؤثر بود و از کوچکی در کتاب‌ها و پیک‌ها با آثار او آشنا شدیم. شخصیت پاک او در آثارش وجود دارد و ما را به شفافیت هنر باب ایرانی رهنمون می‌کند که از ژالسی روان و ذوق او نشئت می‌گیرد». ناصر فکوهی، انسان‌شناس و استاد دانشگاه ضمن تشکر از خانواده پرویز کلانتری برای مراقبت از این هنرمند در یک‌سال‌ونیم گذشته گفت آشنایی آنها از مصاحبه‌ای آغاز شد که دو سال ادامه پیدا کرد. فکوهی با بیان اینکه هنرمند و هنر محصول جامعه‌ای است که آن را تولید کرده، درباره وضعیت هنر در زمانه کلانتری گفت: «جا دارد از خودمان سؤال کنیم با روند جامعه امروز ایران از خودنمایی، تبعیت از بازار و سلیقه عامه و صفات دیگری که به دلیل شان این مجلس از گفتن آنها خودداری می‌کنم، وجود دارد و به طرف اینکه هنر فقط برای بازار و سلیقه عمومی باشد، پیش می‌رود. آیا در ۴۰، ۴۰ سال آینده امثال پرویز کلانتری‌های خواهیم داشت؟». فکوهی درباره خصایص اخلاقی و هنری کلانتری نیز صحبت کرد: «کلانتری یک نقاش آوانگارد بود که به‌دور از سلیقه بازار، یعنی مردمی که می‌خواستند آثار او را بخرند و به‌دور از سلیقه عمومی کار می‌کرد و سعی نمی‌کرد در جهت جریان آب شنا کند. او هرگز از مردم ایران و هنر خودش نمایش حقارت نساخت. کاری که در نقاشی کلانتری دیده می‌شود، تصویر و نقاشی مردم ایران است، ولی به صورت فاخر، کوچک‌ترین نقطه‌ای از حقارت در آثار او دیده نمی‌شود. او با دیدگاه آوانگارد و شناخت عمیقش قریب‌ترین ماده، یعنی کاهگل را توانست به ماده‌ای برساند که از نظر هنری فاخر است و از مضمونی مثل بیابان که در نظر ما، چیزی خالی‌تر از آن نیست، تصویری بسازد که برای همیشه فرهنگ ایران را در شانی نگه دارد که باید همیشه داشته باشد». همچنین مجید رجبی‌معمار، مدیرعامل خانه هنرمندان اظهار امیدواری کرد شاگردان و استادانی که در این جمع حاضر هستند راه کلانتری و شناساندن آثار و روش و منش او را دنبال کنند و در ادامه‌ای علی مرادخانی، معاون هنری وزارت ارشاد گفت: «آنچه کلانتری از ایران ترسیم کرد، زیبا و متفاوت بود. نام کلانتری همیشه با نام ایران عجین خواهد بود. هرکسی برداشت خود را از آثار او دارد و او توانست نگاه دیگری را از خود به این سرزمین باقی بگذارد». ایرج کلانتری، برادر پرویز کلانتری هم سخنران پایانی مراسم بود که خواستار اصلاح یک موضوع درباره زندگی کلانتری شد: «در اینجا لازم می‌دانم یک اشتباه را که در این مدت تکرار شده متذکر شوم؛ در بیوگرافی‌ها نوشته می‌شود که همایون صنعتی‌زاده در زمان آشنایی‌اش با پرویز کلانتری، رئیس دانشکده هنرهای زیبا بود، درحالی‌که ایشان اصلاً ریاست آنجا را برعهده نداشت

است. در دورانی که پرویز در دانشکده بود، محسن فروفی ریاست دانشکده را برعهده داشت و رابطه برادرم با همایون صنعتی‌زاده دوستانه و صمیمانه بود». پس از این مراسم پیکر پرویز کلانتری به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهر(اس) تشییع شد. مراسم بزرگداشت این هنرمند نیز چهارشنبه، پنجم خرداد از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می‌شود.

## واکنش شورجه به موفقیت سینمای ایران در «کن»

## کاش «فرهادی» به مسائل جهان اسلام می‌پرداخت

او تعلق گرفته است؛ اما درباره خود فیلم نمی‌توانم و اینکه مطابق سیاست‌گذاری‌های جشنواره بوده و به دلایل سیاسی جایزه گرفته یا بُعد هنر آن در نظر گرفته شده است، نظری ندارم. شورجه در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: البته فیلم‌نامه فیلم «فروشنده» را مدت‌ها قبل در وزارت ارشاد خوانده بودم. می‌توانم بگویم این فیلم‌نامه از بهترین آثار آقای فرهادی است؛ اما درعین حال رویکرد تلخ و گزنده‌ای داشت و به مشکلات زنان پرداخته بود که در جامعه ما دچار خفکان هستند و به آنها ظلم می‌شود. چنین رویکردهایی در فیلم‌نامه بود؛

جمال شورجه در گفت‌وگو با «شرق» درباره چرایی مطرح‌شدن برخی تعابیر سیاسی درباره جوایز سینمای ایران در جشنواره فیلم کن، گفت: اگر به سوابق این جشنواره نگاه کنیم، من هم معتقد هستم این جشنواره با وجود وجوه هنری، سیاسی هم هست. متأسفانه فیلم آقای فرهادی را ندیده‌ام و نمی‌توانم درباره فیلم اظهار نظر قطعی کنم و بگویم به چه دلیل این جایزه به او تعلق گرفته است. او ادامه داد: به‌هرروی بازی درخشان شهاب حسینی، بازیگر خوب سینمای ما، لابد آن‌قدر خوب بوده که جایزه بهترین بازیگر این جشنواره به

## هنر و تجربه

## گاهی

## کارگردان:

## محمدرضا رحمانی

## برنامه‌سینماهای

## پردیس سینمایی فرهنگ

## پردیس سینمایی گورش

## پردیس سینمایی چارسو

## خانه هنرمندان، موزه سینما

## پردیس سینمایی ویژه (مشهد)

## تالار سینمایی سوره (اصفهان)

## هنر و تجربه (تهران)

## پردیس سینمایی پرشین (کرج)

## aecinema.ir

## سینما به زبان ساده

## سینما به زبان ساده

## سینما به زبان ساده

## سینما به زبان ساده

## سینما به زبان ساده

## سینما به زبان ساده

## سینما به زبان ساده

## سینما به زبان ساده

## سینما به زبان ساده

## سینما به زبان ساده